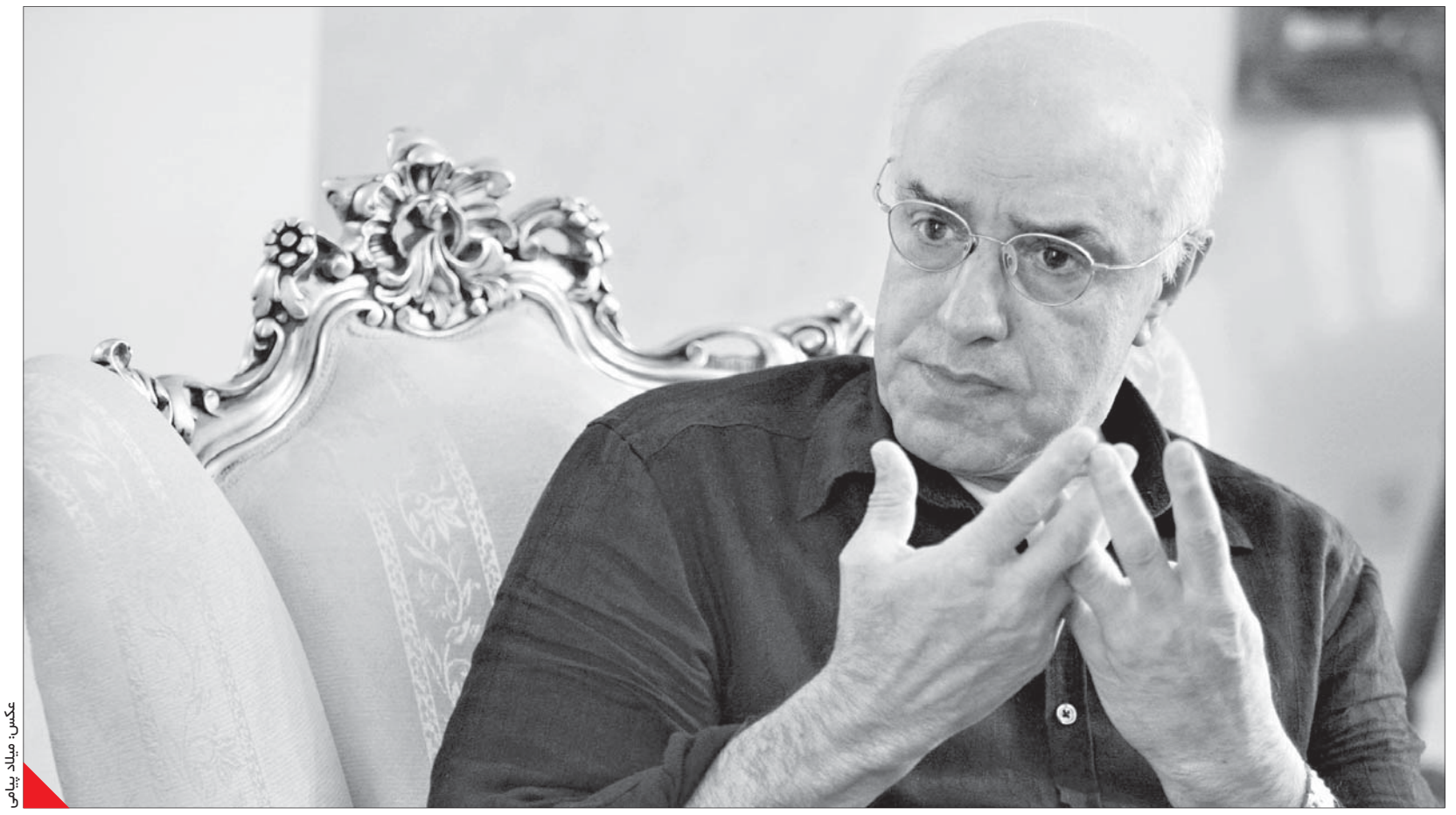

عکس: میلاد پیامی

نگاهی به نقش و مواضع اروپا در برجام در گفت‌وگوی «شرق» با پیروز مجتهدزاده

دلداری به ایران یا بازدارندگی مقابل آمریکا؟

آرزو فرشید

پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده مسیر اجرای توافق هسته‌ای ایران و ۱+۵ را پرفرازونشیب‌تر از قبل کرد. رئیس‌جمهور آمریکا پیش از راه‌یابی به کاخ‌سفید ساز ناکوک‌زدن را شروع کرد و این‌طور که به نظر می‌رسد، دست‌بردار هم نیست. او که گمان می‌کند دولت پیش از او بدترین توافق ممکن را امضا کرده است، از هیچ کاری- از تهدید به پاره‌کردن برجام گرفته تا تلاش برای تشدید تحریم‌های موشکی و حقوق‌بشری - فروگذار نمی‌کند تا ایران آن‌قدر تحت فشار قرار گیرد که عطای اجرای برجام را به لقایش ببخشد و این غائله ختم شود. ایران نیز دست او را خوانده است. از همین‌رو همه تلاشش را به کار گرفته تا به دام او نیفتد و به طور ویژه روی همکاری و همراهی اتحادیه اروپا حساب کرده است. اروپایی‌ها که بلافاصله بعد از حصول توافق در چارچوب هیئت‌های سیاسی و اقتصادی راهی کشورمان شدند تا سهمی از بازار پساتحریمی ایران بگیرند، تاکنون مدام مواضعی در حمایت از برجام اتخاذ کرده‌اند. این موضع‌گیری‌ها در حالی است که عملا آمریکا با اعمال نفوذ و تهدید به جریمه مانع از افزایش همکاری‌های بیشتر اروپا و ایران می‌شود. حال باید دید که اروپا می‌تواند ترامپ را سر عقل آورد، یا در نتیجه فشارهای آمریکا پا پس می‌کشد؟ پیروز مجتهدزاده، استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک منطقه، در گفت‌وگو با «روزنامه شرق» به این سؤال پاسخ داد و تأکید کرد: «رفتار اروپا امیدواری به تداوم برجام را تقویت کرده است ولی این نقش باید جنبه عملی گیرد و از حالت دلداری به ایران به حالت بازداری ایالات متحده تبدیل شود».

ایران یک‌بار در دوران اصلاحات با تروییکای اروپایی مذاکره کرد و به نتیجه نرسید. اروپایی‌ها می‌گفتند که ایران و آمریکا باید مشکل را حل کنند. این اتفاق در مذاکرات اخیر افتاد و توافق حاصل شد. به نظر شما نقش اروپا در حصول این توافق چقدر بود؟

قبل از پاسخ به اصل این سؤال باید روشن کنم که نه تروییکای اتحادیه اروپا حل مشکل روابط ایران و آمریکا را پیشنهاد داده بود و نه این مشکل حل شده است. اتحادیه اروپا در آن هنگام و در قدم اول خواهان تغییر موضع تند ایالات متحده آمریکا که هم می‌خواست از تصمیم‌گیرندگان اصلی در حل بحران هسته‌ای ایران باشد و هم نمی‌خواست که با ایرانی‌ها گرد یک میز مذاکره بنشیند، بود. بالاخره این مشکل را خود آمریکایی‌ها حل کردند به این صورت که نماینده آنها توانست همراه با بقیه مذاکره‌کنندگان ۱+۵ با نماینده ایران گرد یک میز مذاکره بنشیند و با نماینده ایران وارد مذاکرات مستقیم شود. به‌این‌ترتیب آشکار است که موضع‌گیری منطقی و مستقل اتحادیه اروپا در مسائل بین‌المللی می‌تواند بسیار مؤثر باشد، ولی کلمه کلیدی در اینجا کلمه «مستقل» است. یعنی اگر اتحادیه اروپا بخواهد، بتواند در مقام یک قدرت بین‌المللی مستقل در برابر آمریکا عمل کرده و این استقلال عمل را فدای حرف‌شنوی‌های ژئوپولیتیکی سنتی خود در برابر آمریکا نکند. به بیان دیگر در پروسه بحران هسته‌ای و مذاکرات برجام به‌خوبی نشان داده شد که اتحادیه اروپا اگر به‌عنوان یک قدرت منسجم در توازن با دیگر قدرت‌های جهانی شامل آمریکا، روسیه و چین عمل کند، می‌تواند نقش پراهمیتی در ایجاد مورانه‌های قدرتی جهانی داشته باشد. البته ممکن است اروپا این جایگاه را در آینده از دست بدهد چون بریتانیا به‌عنوان یک «قدرت یا نفوذ» بین‌المللی در شرایط مشابه در آینده دیگر عضو اتحادیه اروپا نخواهد بود. در سیاست‌های بین‌المللی بیشتر متمایل به مواضع آمریکایی است و حداکثر امید مثبت ما در آینده این است که بریتانیا در این‌گونه معادلات با اتحادیه اروپا رقابت نکند، بلکه به نحوی منافع خود را در همراهی با قافله ژئوپولیتیکی اروپا جست‌وجو کرده و احیانا از این هر دو گزینه به‌تناوب استفاده کند.

اروپا از ابتدای روی کارآمدن ترامپ و ایجاد نگرانی‌ها درباره پایبندی آمریکا به برجام، اغلب از این توافق دفاع کرده است. مقامات ایرانی نیز روی این همراهی حساب کرده‌اند. به نظر شما می‌توان به اختلاف نظر اروپا و آمریکای ترامپ درباره برجام دل بست؟

آری و نه! این مسئله تماما بستگی به این دارد که هر یک از بازیگران در هر مقطعی از زمان و شرایط مسائل را چگونه پیگیری کنند. ادامه بی‌منطقی‌های دونالد ترامپ در شرایط کنونی ادامه مقاومت‌های اروپا، روسیه و چین را تضمین می‌کند اما هنگامی که ایالات متحده بتواند بهانه‌های محکمه‌پسندی برای کشاندن ایران به بحث‌های بین‌المللی به دست آورد، می‌تواند اروپا را نیز با خود همراه کند. به‌عنوان مثال اگر ما در برخورد با مسئله آزمایش‌های موشکی، ظرافت‌های ژئوپولیتیکی موجود در معادلات و موازنه‌های در قیاس با قطع‌نامه‌های سازمان ملل را از دست دهیم، می‌توانیم به دست خود توبره آمریکا را برای کشاندن خودمان به تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی پر کنیم. دقت کنید دفاع اخیر دکتر روحانی، رئیس‌جمهور ایران، در سازمان ملل از آزمایش‌های موشکی مفید بوده است ولی باید ظرافت‌های این بحث را به صورت همه‌جانبه شناخت و جانب احتیاط را از دست نداد. در شرایطی که آمریکا و جامعه بین‌المللی سرگرم قدرت‌نمایی‌های تسلیحاتی کره‌شمالی هستند نباید با اقدامات خارج از موازنه‌های آسیب‌پذیر کنونی، در آزمایشات موشکی افراط کرده و توجه دنیا را از کره‌شمالی به طرف خودمان معطوف کنیم. اینکه «مقامات ایرانی نیز روی همراهی اروپایی‌ها حساب کرده‌اند»، درست است. چند بار آقای وزیر خارجه بر اظهارات خانم موگرینی، سخنگوی روابط خارجی اتحادیه اروپا، تأکید کردند ولی این تأکید و تکیه تاکنون فقط جنبه انفعالی داشته است. یعنی به تکرار اطمینان خاطردادن‌های خانم موگرینی اکتفا شد و بعد از آن به استراحت پرداختیم.

باید چه می‌کردیم؟

باید سعی کنیم این تکیه بر اطمینان خاطردادن‌های اتحادیه اروپا را از حالت انفعالی خارج کنیم و آن را به صورت فعال در آوریم. یعنی می‌بایستی در رفتارهای واکنشی خود شرایطی را پیش می‌آوردیم که اتحادیه اروپا فعالانه دنبال اطمینان خاطردادن را بگیرد و هر بار به ایالات متحده هشدار دهد که تعهدهای ردوبدل‌شده در برجام دوجانبه نیست و بلکه چندجانبه است و اگر آمریکا نمی‌تواند حرمت طرف ایرانی این تعهدها را نگاه دارد لااقل رعایت تعهدهای طرف اروپایی این تعهدها را کند!

درباره دلایل اروپا برای حفاظت از برجام بگویید. عدم پایبندی به برجام چه عواقبی برای اروپا دارد؟ منافع اقتصادی آنها در ایران پسابرجام برای حافظت از این توافق کافی است؟

ما باید بدانیم که اتحادیه اروپا در این برخوردها از ما حمایت نمی‌کند! آنها مطابق روش جاری در مباحث ژئوپولیتیکی از منافع خود دفاع می‌کنند. این منافع گاه با منافع و خواست‌های آمریکایی در تداخل یا تضاد و با منافع و خواست‌های ایران در تطابق است و می‌تواند در ایجاد فضای آرام میان ایران و آمریکا تجلی کند. عدم پایبندی ما به برجام برای اروپا همان عواقبی را خواهد داشت که برای خودمان و آمریکا دارد. برجام در فضای بین‌المللی ویژه‌ای شکل گرفته است که عدم پایبندی هر یک از طرفین برای طرف‌های دیگر سخت زیان‌بار خواهد بود. به‌ویژه در بازتاب صلح جهانی لغوکننده برجام به بازنده اصلی آن تبدیل خواهد شد. در این شرایط به گمان من بهترین آرزوی ما ایرانیان این است که ترامپ آن را لغو کند و خودش به مصاف جامعه جهانی برود. در شرایط کنونی که به خاطر ماجراجویی‌های ترامپ ایجاد شده، بهترین کاری که ما می‌توانیم انجام دهیم تأکید مکرر بر این حقیقت است که ما یعنی «ایران» هرگز برجام را ترک نخواهیم کرد چنان‌که آقای رئیس‌جمهور با استحکام تمام در سازمان

> **دفاع اخیر دکتر روحانی، رئیس‌جمهور ایران، در سازمان ملل از آزمایش‌های موشکی مفید بوده است ولی باید ظرافت‌های این بحث را به صورت همه‌جانبه شناخت و جانب احتیاط را از دست نداد. در شرایطی که آمریکا و جامعه بین‌المللی سرگرم قدرت‌نمایی‌های تسلیحاتی کره‌شمالی هستند نباید با اقدامات خارج از موازنه‌های آسیب‌پذیر کنونی، در آزمایشات موشکی افراط کرده و توجه دنیا را از کره‌شمالی به طرف خودمان معطوف کنیم**

ملل متحد گفت. مرحله بعد نیز این است که به کمک اتحادیه اروپا شروع کنیم به نق‌زدن‌های تاکتیکی که برخی از تعهدهای ما ظالمانه است و باید اصلاح شود. این‌گونه می‌توان توپ بازی‌های کلامی را از ترامپ ستانده و در مسیری صلح‌آمیز و منطقی برای تحکیم صلح جهانی قرار دهیم. برای حل مشکلات جهانی باید به‌جای تهدیدکردن و مشکل‌تراشیدن به گفت‌وگو برای جرح و تعدیل حق و حقوق پرداخت.

آمریکا دنبال اعمال فشار بر ایران از طرق دیگر همچون تحریم‌های جدید است. مادامی که شرکت‌های اروپایی به واسطه نگرانی از تحریم‌های آمریکا با ایران همکاری نکنند، حمایت‌های سیاسی و لفظی اروپا از برجام چه نفعی برای ما دارد؟

این همان موضوعی است که من از ابتدای حصول توافق برجام به آن اعتراض می‌کردم. برای اجرای تعهدهای همه طرف‌های توافق‌کننده هیچ‌گونه برنامه زمان‌بندی اجرائی و هیچ‌گونه تضمین اجرائی پیش‌بینی نشده است و این امر در اجرای دقیق و سالم‌ماندن توافق‌های آینده مشکلات بزرگی ایجاد خواهد کرد. جواب مختصر این سؤال شما نمی‌تواند جز این باشد که در صورت ادامه خودداری شرکت‌های اروپایی از همکاری اقتصادی با ایران به واسطه نگرانی از تحریم‌های آمریکا؛ حمایت‌های سیاسی و لفظی اروپا از برجام هیچ نفع عملی واقعی لمس‌کردنی برای ما نخواهد داشت و به همین دلیل است که پیش‌تر عرض کردم، باید سعی می‌کردیم این تکیه بر اطمینان خاطردادن‌های اتحادیه اروپا را از حالت انفعالی خارج کنیم و آن را به صورت فعال در می‌آوردیم. یعنی باید کاری کنیم که اتحادیه اروپا فعالانه دنبال اطمینان‌خاطردادن را بگیرد و هر بار به ایالات متحده هشدار دهد که تعهدهای ردوبدل‌شده در برجام دوجانبه نیست و بلکه چندجانبه است و فشار بیاورد که اگر آمریکا نمی‌تواند حرمت طرف ایرانی این تعهدها را نگاه دارد، لااقل رعایت تعهدهای طرف اروپایی این تعهدها را کند!

مشخصا درباره مورد انگلستان صحبت کنیم. ترزا می در مسائل منطقه‌ای مواضعی همسو با آمریکا و علیه ایران دارد. از طرفی هم موضوع برگزیت و فاصله‌گرفتن از اتحادیه اروپا مطرح است. نزدیک‌شدن انگلستان به آمریکا در مواضع این کشور درباره برجام نیز اثرگذار است؟

بهتر است بگوییم بریتانیا در مسائل بین‌المللی مواضعی همسو با ایالات متحده آمریکا دارد و این یک امر جدید نیست. نمی‌توان این‌طور نتیجه گرفت بریتانیا به خاطر درگیری برگزیت و جداشدن از اتحادیه اروپا که حداقل سه سال دیگر واقعیت خواهد یافت، بیشتر با ایالات متحده آمریکا همسو شده است. من چنین وضعیتی را نمی‌بینم و مطمئن هستم که بریتانیا پس از خروج از اتحادیه اروپا نیز به دلیل تداخل منافع ملی که همچنان با اروپا خواهد داشت سعی می‌کند تعادل و توازن لازم را در گرایش به هر یک از دو ابر قدرت یادشده حفظ کند. در شرایط کنونی نیز باید سعی کنیم ماورای ظواهر را دریابیم. ضمن حفظ مواضع هم‌گرایانه همیشگی بریتانیا با مواضع آمریکایی‌ها، این کشور در مسئله بهانه‌جویی‌های ترامپ اغلب سعی دارد برای حفظ تعادل و توازن لازم در دفاع از برجام جانب ایران را بگیرد. چنان‌که مانند فرانسه و آلمان و گاه حتی بیشتر از آن دو کشور اروپایی تأیید و تأکید می‌کند که ایران به همه تعهدهای خود در برجام عمل کرده است. هم در دو نوبت قبلی که ترامپ حکم تأیید اجرای تعهدها از طرف ایران را امضا کرد و هم در نوبت کنونی که ترامپ سرگرم تردیدتراشی در امضای حکم تأیید اجرای تعهدها از طرف ایران است، بریتانیا و شخص خانم می می‌کوشند به جامعه جهانی ثابت کنند که ایران به همه تعهدهای خود پابند بوده و هست. ولی باید تأیید کنم که دست‌زدن به این بازی ظریف و درک‌کردن آن از سوی ما خیلی حوصله می‌خواهد.

آلمان و فرانسه بیشترین تحرکات را برای حضور در بازار پسابرجامی ایران داشته‌اند، این رویکرد تا کجا ادامه خواهد داشت؟ در صورت افزایش چالش‌هایی که ترامپ برای برجام می‌سازد، این کشورها چه وزنی در کنترل شرایط و تداوم این توافق دارند؟

این سؤال شما اشاره دارد به رقابت‌های اقتصادی میان اروپا و آمریکا در شرایط پسابرجام و ما می‌دانیم که هر بازی تابع قوانین خودش است. اتفاقا یکی از مشکلات موجود این است که آمریکایی‌ها بدون بیان نارضایی خود، از پیشی‌گرفتن آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها در رقابت اقتصادی با آمریکایی‌ها [در ایران] و از مواضع اروپایی‌ها در بهره‌گیری از نتایج برجام ناخرسند هستند. ولی اساسا اگر متوسل به خراب‌کاری از طریق تشدید تحریم اقتصادی ایران به‌ویژه تشدید تحریم‌های بانک نشوند، نمی‌توانند کار مهمی در این زمینه انجام دهند. هر چهار قدرت آمریکا، اروپا، روسیه و چین در برجام توازن مشترک قدرتی با یکدیگر دارند و به‌همین‌دلیل هر قدرتی به‌تنهایی نمی‌تواند در برابر سه قدرت دیگر اعمال نفوذ کند، مگر از طریق اقدام‌های میانجیگرانه یا به‌اصطلاح خودمان «کدخدامنشی». در این رابطه به‌خصوص، اروپا از اهرم کدخدامنشی با آمریکا بهره بیشتری دارد و از این اهرم برای کنترل شرایط و تداوم برجام استفاده فراوان کرده و می‌کند.

زیگمار گابریل گفته که آمریکا را متقاعد می‌کنیم تا در توافق باقی بماند. آلمان می‌تواند در این زمینه نقش مؤثری داشته باشد؟

البته آلمان وزنه مهمی در توازن قوای غربی به شمار می‌رود و با افزودن همکاری دیگر وزنه‌های اروپایی، یعنی بریتانیا و فرانسه، قادر خواهد بود که ایالات متحده را حداقل برای مدتی در توافق نگاه دارد، ولی می‌داند این امر به‌همین‌سادگی نیست و ایالات متحده در واکنش به این‌گونه اعمال نفوذها به شرایط دیگری دامن می‌زند که برای طرف‌های مقابل یا حداقل برای ایران سنگین تمام شود.

وزیر خارجه فرانسه نیز اخیرا از تلاش برای متقاعدکردن ترامپ (به پایبندی به برجام) سخن گفته است. او همچنین به مسئله امکان تکمیل برجام بعد از ۲۰۲۵ اشاره کرده است. لطفا درباره این تکمیل‌کردن توضیح دهید؟ به معنی بازگشت محدودیت‌هایی است که در چارچوب برجام رفع شده است؟

آشکار است که من از مکنونات قلبی وزیر خارجه فرانسه یا هر کشور دیگری خبر ندارم. ما در این برخوردها فقط می‌توانیم احتمالات مختلف را بررسی کنیم. من احتمال می‌دهم وزیر خارجه فرانسه برای ساکت‌کردن ترامپ خواسته است توجه او را به اهمیت امتیازاتی که در برجام از ایران به صورت تعهدهای ویژه گرفته شد جلب کند و آینده امیدوارکننده‌ای را ترسیم کند که با کسب امتیازات بیشتر در مذاکرات احتمالاتی آینده همه خواست‌های ترامپ بر آورده شود. ما می‌دانیم که ایران و ۱+۵ در اعلام نتایج مذاکرات هسته‌ای به صورت برجام، ابراز امیدواری کردند که مذاکرات در آینده نیز ادامه یابد و برجام‌های دیگری هم اعلام شود. ولی گمان نمی‌کنم ترامپ به این حرف‌ها قانع شود و دست از خراب‌کاری بردارد چون به نظر من او می‌خواهد شخصا و بدون کمک دیگران به نتایج مورد نظر دست پیدا کند. به عقیده من دولت ایران در مواجهه با این وضعیت باید ضمن تأکید بر وفاداری به برجام، اعلام کند که وارد هیچ مذاکره‌ای نخواهد شد مگر اثبات پایبندی ایالات متحده آمریکا به تعهداتش در برجام. یعنی شرکت ایران در هر گونه مذاکراتی درباره تعدیل یا اصلاح برجام کنونی یا برجام‌های دیگر باید موکول باشد به تکمیل تعهدهای همه طرف‌ها در برجام کنونی.

ادامه در صفحه ۱۱

دریچه

هزینه‌سازی بی‌دلیل

مصطفی ملکوتی
پژوهشگر

همراهی رئیس دولت اصلاحات و اصلاح‌طلبان در انتخابات گذشته ریاست‌جمهوری در راستای تحکیم روابط مردم با مجموعه نظام، نقش بی‌بدیلی داشت به‌گونه‌ای که همه زمزمه‌های تحریم انتخابات که از بلندگوهای بیگانه مطرح می‌شد را در نطفه خفه کرد و به گفته دوست و دشمن انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر یکی از رقابتی‌ترین و باشکوه‌ترین انتخاباتی بود که در کشور برگزار شد. این توفیق بدون شک مدیون حضور چشمگیر و نقش‌آفرین اصلاح‌طلبان بود. اعتماد مردم به چهره‌های ملی این جریان یک «سرمایه اجتماعی» بی‌همتاست و همه کسانی که دل در گرو اسلام و ایران دارند، این سرمایه اجتماعی را مانند جان گرامی می‌دارند و تلاش می‌کنند تا به هر نحو ممکن از این «گوهر» صیانت کنند. معلوم نیست بحران‌آفرینی عده‌ای در هنگامه‌ای که جامعه بیش از هر زمان نیاز به آرامش دارد به چه منظوری صورت می‌گیرد؟ آیا موضوع از عواقب انتخابات است؟ یا جلوگیری از اثر بخشی اصلاح‌طلبان در تغییرات پیش‌رو؟ چنان‌که زمزمه تغییراتی در قانون اساسی برای حذف ریاست‌جمهوری و برقراری نظام به‌اصطلاح پارلمانی شنیده می‌شود، شاید روند منزوی‌سازی اصلاح‌طلبان در چارچوب تغییرات آینده قابل ارزیابی باشد، بااین‌حال تجربه نشان داده است محدودکردن شخصیت‌ها همواره بر محبوبیت آنان افزوده است، اقدامات احساسی ممکن است در کوتاه‌مدت جواب بدهد اما در عوض آلام اجتماعی و چه‌بسا چالش‌های امنیتی به وجود می‌آورد که هزینه‌های سنگینی خواهد داشت. به‌نظر می‌رسد منطق لازم در این‌گونه رویکردهای محدودساز وجود ندارد مگر اینکه بگوییم خدای ناکرده کسانی می‌خواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و کسب‌وکار آنها در بحران آفریده می‌شود. از عقلای قوم می‌خواهیم از تلخ‌کردن کام مردم پس از انتخابات جلوگیری کنند تا پیوستگی مردم و حکومت استوار بماند. روشن است که مدیریت خردمندانه سیاسی اقتضا می‌کند چنانچه چالشی در قلمرو پدیده‌های سیاسی به وجود آید به پدیده‌های اجتماعی فروکاسته شود نه اینکه از یک پدیده اجتماعی یک پدیده امنیتی بسازیم، این‌گونه اقدامات نسنجیده گاهی می‌تواند در پیوند ملت شکست ایجاد کند.

نباید این‌گونه تلقی شود که در ایران، اقلیتی ممتاز وجود دارد که همه قدرت را دراختیار دارد و از رأی مردم استفاده ابزاری می‌کند. به‌هرحال در چارچوب قانون اساسی یکایک مردم از حقوق شهروندی برخوردارند و نباید خارج از ضوابط قانونی برای هیچ‌کس محدودیت ایجاد شود، این مسئولیت در وهله اول متوجه رئیس‌جمهور به‌عنوان مجری و ناظر قانون اساسی است که اجازه ندهد با یک ایرانی رفتاری خلاف قانون صورت گیرد. خوشبختانه روز شنبه، رئیس‌جمهور محترم ایجاد محدودیت‌ها و بی‌عدالتی سیاسی را مورد انتقاد قرار داده و در انتظار اقدامات عملی ایشان نیز خواهیم ماند؛ امید است سایر مقامات نیز ضمن نکوهش این‌گونه رفتارهای ناپسند، در راستای وفاق ملی گام بردارند.

توقع مردم ایران این است که حاکمیت، سعه‌صدر بیشتری داشته باشد تا رابطه با همه اقشار جامعه، گروه‌های سیاسی، اقلیت‌های قومی و مذهبی ایران تقویت شود.

درخت دوستی بنشان که کام دل
به بار آرد/ نهال دشمنی برکن که رنج
بی‌شمار آرد

امید است دولتمردان به این توقع حداقلی مردم توجه کنند تا راه همبستگی ملی و شکوفایی اجتماعی و اقتصادی هموار شود.

نگاه

ساز ناهماهنگ در دیپلماسی اقتصادی

ضیاء مصباح

دکتر روحانی در انتهای سخنان خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر وجود شرایط مناسب و استقبال ایران از سرمایه‌گذاری خارجی تأکید و بر این مهم توصیه کرد. پیام این گفته در زمانی که ادامه برجام و تأیید ضرورت آن به وسیله همه دولت‌ها و مخالفان درونی که دست‌کمی از ترامپ ندارند، مطرح است. از نیاز ایران به ورود سرمایه‌گذار و سرمایه خارجی با همه مقاومت‌های غیراصولی که تاکنون در برابر آن شده به گواهی دلسوزان وطن راهگشای شرایط سخت دولت در زمینه‌های اقتصادی، درآمد ملی، بی‌کاری، حفظ ارزش پول ملی و نکاتی بنیادی در دور دوم ریاست‌جمهوری ایشان حکایت دارد. دراین‌باره باید گفت دیپلماسی اقتصادی هر کشور نقش مهمی در پویش و پایداری مناسبات اقتصادی کشورها با یکدیگر بازی می‌کند و مؤلفه‌های برون‌گرایی اقتصادی- به معنای دراختیارگرفتن سهمی در بازارهای جهانی- آنها به شمار می‌آید. از چالش‌های اقتصادی ایران هم یکی همین فقدان برون‌گرایی و حضورنداشتن در بازارهای جهانی است که بخشی از این مشکل وابسته به ناکارآمدی دیپلماسی اقتصادی کشور است که در برنامه‌های وزارت امور خارجه و متولیان این مهم آن‌چنان‌که انتظار می‌رفت، به آن پرداخته نشده است. به دلایل روشن دستگاه و سیاست‌های دیپلماتیک و مناسبات خارجی کشورمان در شرایط کنونی شفاف و باثبات نیست و با دخالت جریان‌ها و افراد با همه ثبات مدیریت آقای ظریف متأسفانه از یکنواختی لازم مبتنی بر علوم مدون این مقوله بسیار اساسی برخوردار نیست. یکی از دلایل ناکارآمدی در فراهم‌آوردن سرمایه اجتماعی و اعتماد به‌عنوان زمینه همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی در نزد سایر کشورها و به‌ویژه کشورهای منطقه و همسایگان ایران همین شرایط است؛ به‌گونه‌ای که هر بار فرصتی برای توسعه بازرگانی ایران به وجود می‌آید، به طور نمونه آسیای میانه، جمهوری آذربایجان و روسیه؛ اما به علت ناکارآمدی دیپلماسی اقتصادی و سایر عوامل سیاسی و اقتصادی بر باد می‌رود. بازار عراق -یعنی کشوری که مسئولانش به‌دست‌آوردن قدرت را مدیون ایران هستند- نمونه گویایی از ناکارآمدی دیپلماسی اقتصادی ما به شمار می‌رود.

مناقشه درباره کارآمدی دیپلماسی اقتصادی ایران، در ماه‌های اخیر و به‌ویژه پس از کاهش صادرات کالاهای ایران به عراق بالا گرفته، رئیس اتاق بازرگانی استان البرز می‌گوید: کم‌توجهی‌ها نسبت به حفظ بازارهای تجاری به میزانی رسیده که اکنون صادرات سالانه کالا از ایران به عراق از ۱۰ میلیارد دلار به شش میلیارد دلار کاهش یافته و به دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط توصیه می‌کند دلایل کاهش صادرات به عراق را بررسی دقیق کرده و برای رفع مشکل چاره‌اندیشی کنند. دبیرکل اتاق بازرگانی ایران و عراق، ضمن اشاره به اینکه اخیرا ویزاهای مدت‌دار تجاری برای تجار ایرانی حذف شده، می‌گوید: سفیر عراق در این رابطه همکاری ندارد و می‌گویند اگر بازرگان ایران با دولت عراق قرارداد تجاری داشته باشد، به آن ویزای تجاری تعلق می‌گیرد؛ درحالی‌که پروژه‌های دولتی عراق به دلیل شرایط این کشور تقریبا متوقف است و بازرگان ایران با دولت عراق قرارداد ندارد... . این‌گونه برخوردکردن با تجار ایرانی از سوی دولت عراق به دلیل ارتباطات فرهنگی، دینی و مذهبی حاکم بین دو کشور و همچنین نقش ایران در مبارزه با داعش از سوی عراق بسیاری سؤالات را بدون پاسخ می‌گذارد. او می‌گوید برخی از مشکلاتی که در تجارت ایران با عراق به وجود می‌آید، ناشی از آن است که برخی افراد ازجمله مسئولان، مقامات و بازرگانان مطرح در کشور عراق در این تجارت ذی‌نفع نیستند و می‌افزاید: «این در حالی است که همین افراد در تجارت با ترکیه، اردن و عربستان ممکن است ذی‌نفع باشند و تجارت برای تجار این کشورها را تسهیل می‌کنند» و به برخی از کارشکنی‌ها به این شکل اشاره می‌کند: «به‌عنوان مثال از اواخر سال ۲۰۱۶ دولت عراق یکباره تعرفه‌های کالاهای وارداتی ایران به این کشور را ۳۰ درصد افزایش داد». پیامد چنین تنگناها و مشکلاتی زیان صادرکنندگان ایرانی به عراق و ازدست‌دادن بازار این کشور است. حمید حسینی، از چهره‌های شاخص ادوار اتاق بازرگانی، می‌گوید: «ما به دنبال یافتن افراد ذی‌نفوذ در عراق هستیم تا بتوانیم منافعی را برای آنها در تجارت ایران با عراق ایجاد کنیم. اگر چنین اقدامی را انجام ندهیم، کارشکنی در تجارت با این کشور همچنان ادامه دارد». آیا این روش‌ها می‌تواند در غیبت دیپلماسی اقتصادی کارآمد مؤثر باشد؟ در نبود سرمایه اجتماعی بین‌المللی و اعتبار پایدار در نزد کشورها به نظر نمی‌رسد که با به‌کارگیری چنین شیوه‌ای بازاری را در اختیار گرفت؛ بنابراین هرچند ممکن است که مقامات بالای عراقی و مقامات محلی آن کشور روند سقوط صدام حسین، کسب قدرت و بالاخره جنگ با مخالفان‌شان و داعش از کمک‌های بی‌دریغ ایران بهره برده باشند؛ اما در مناسبات بازرگانی کسب مزیت و منافع خود را در اولویت قرار می‌دهند. چنین نگاه و استدلالی تنها مربوط به مقامات عراقی نیست. قاعده بازی تأمین منافع سیاسی و اقتصادی همین است. مگر می‌تواند در شرایط بحران سیاسی و جنگ قدرت به مقامات جریان‌های سیاسی- مذهبی یک کشور کمک کرد و در دوره آرامش از آنها خواست تا کالاهایی را که قدرت رقابت ندارند، بخرند؟ عراق در دوران نه‌چندان دور نیازمند کمک‌های ایران بود؛ اما با عادی‌شدن اوضاع سیاسی و اقتصادی این دیگر رقابت است که عامل تعیین‌کننده واردات است. سیدمصطفی موسوی، عضو هیئت‌مدیره انجمن صادرکنندگان ایران، دراین‌باره می‌گوید: «متأسفانه هر روز وضعیت صادرات ما به این کشور وخیم‌تر می‌شود و به جایی رسیده‌ایم که دیگر عراق به ما احتیاج ندارد؛ بلکه این ما هستیم که به آنها احتیاج داریم. شرایط رقابت شرکت‌های ایران با عراقی اصلا مساعد نیست. باید دیپلماسی اقتصادی خود را فعال کنیم»؛ اما به نظر نمی‌رسد که لابی صادراتی در بلندمدت و در بازار پررقابت بین‌المللی چندان کارآمد باشد. ازاین‌روست که با عادی‌شدن وضعیت عراق رفتار مقامات عراقی نسبت به بازرگانان ایرانی دگرگون می‌شود و چهره غیردوستانه می‌گیرد.

مدیرعامل شرکت صادرات تجهیزات و خدمات صنایع آب و برق (صانیر) به خبرگزاری ایرنا می‌گوید: «عراق در حوزه نفوذ سیاسی ایران است... و این کشور «بازاری مستعد» و شرایط بسیار خوبی دارد، اما عراقی‌ها پروژه‌های خود را به‌راحتی به شرکت‌های غیرایرانی واگذار می‌کنند...

ادامه در صفحه ۱۱